

عطف

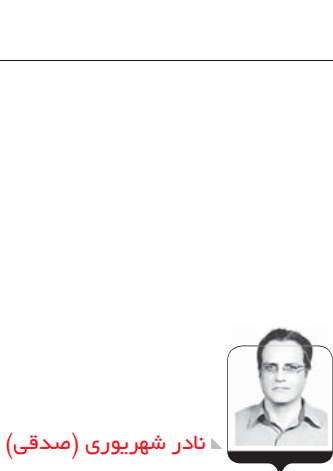
خاورمیانه سینمایی

شرق؛ تفاوت‌های میان بازنمایی وضعیت خاورمیانه امروز در آثار سینمایی جهان عرب و سینمای هالیوود، موضوع اصلی کتابی است از لینا خطیب با عنوان «بازنمایی خاورمیانه نوین از دیدگاه سینمای هالیوود و جهان عرب» که به‌تازگی با ترجمه هما آسوده در نشر حکمت کلمه منتشر شده است. نویسنده کتاب معتقد است که سینما به‌عنوان ابزار قدرتمند تولیدات فرهنگی، در مرکز بازنمایی خاورمیانه نوین قرار دارد و تداخل سینما در ترسیم امور سیاسی منطقه از جمله بارزترین زوایای این بازنمایی است. او همچنین می‌گوید که بازنمایی سینمایی خاورمیانه تنها در انحصار هالیوود یا به طور کلی سینمای غرب نیست؛ بلکه جهان عرب هم در ترسیم خاورمیانه سینمایی حضوری پررنگ دارد. این کتاب براساس این ایده کلی شکل گرفته که هالیوود و سینمای اعراب از یک حادثه تاریخی مشخص، برداشت‌های متفاوت و در اغلب موارد متناقض به دست می‌دهند. تعارض اعراب با اسرائیل از نظر پایداری فلسطینیان بارزترین نمونه عصر حاضر است. هالیوود قدرت تأثیرگذاری درخور توجهی بر افکار عمومی جهان دارد و از این نظر بررسی تصویری که این سینما از خاورمیانه به دست می‌دهد، حائز اهمیت است؛ «از آنجایی که سینمای هالیوود بر سکوی قدرتمندترین صنعت فیلم‌سازی جهان قرار دارد، مطالعه بازنمایی خاورمیانه از دیدگاه هالیوود حائز اهمیت است. انعکاس امور سیاسی خاورمیانه از قالب سینمای هالیوود تا حدودی بر ذهنیت مردم دربارۀ منطقه تأثیر می‌گذارد. ازاین‌رو مقایسهٔ این بازنمایی با تصویری که اعراب از خودی و دیگری در سینما ارائه می‌دهد، ضرورت پیدا می‌کند». در مقابل، سینمای مصر بزرگ‌ترین صنعت فیلم‌سازی در خاورمیانه را دارد و آثار تولیدشده‌اش در سراسر جهان عرب پخش می‌شود و اعراب مهاجر در خارج از جهان عرب نیز مخاطبان این آثار هستند. در سال‌های اخیر سینمای فلسطین نیز آثار زیادی تولید کرده و به رقبی دیگر در این عرصه بدل شده است. به اعتقاد

بازنمایی خاورمیانه نوین از دیدگاه سینمای هالیوود و جهان عرب لینا خطیب ترجمه هما آسوده نشر حکمت کلمه

لیتا خطیب

نویسنده، بخش این آثار در سطح بین‌المللی فرصت جدیدی برای اظهارنظر در عرصه جهانی به فلسطین اعطا می‌کند. سوریه، الجزایر، لبنان، مراکش و تونس از دیگر کشورهای جهان عرب هستند که آثار سینمایی درباره مسائل سیاسی خاورمیانه تولید کرده‌اند. لینا خطیب در کتابش، آثار سینمایی مربوط به سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ را بررسی کرده است. در این بازه زمانی چند اتفاق مهم در تاریخ سیاسی خاورمیانه رخ داده است که برخی از آنها اهمیت بسیاری داشته‌اند. آثار سینمایی که در این کتاب مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند، در اغلب موارد با مسائل سیاسی برجسته دوران مرتبط است و «ازاین‌رو نمی‌توان خسارج از این چارچوب تاریخی درباره این آثار به تبادل نظر پرداخت. به اعتقاد فوکلت، هر بحث و گفتمانی که صورت می‌پذیرد، صرف‌نظر از موضوع آن، متشکل از مجموعه بیاناتی است که در زمان و مکان مخصوص به خود تولید می‌شود. ارتباط فیلم با تاریخ نیز شخصی به نظر می‌رسد. به عبارت دیگر هالیوود و سینمای اعراب از یک رخداد تاریخی مشابه، برداشت‌های متفاوت و در اغلب موارد متناقضی ارائه می‌دهند. تعارض اعراب/ رژیم اشغالگر از حیث پایداری فلسطینیان بارزترین نمونه عصر حاضر است. هالیوود از این مسئله به منزله ترور محض یا در بهترین حالت یک انقلاب یاد می‌کند. درحالی‌که سینمای جهان عرب به این موضوع با نگاهی مساعد می‌نگرد. در بازنمایی هالیوود از بنیادگرایان اسلامی یک وجه تشابه وجود دارد و آن اینکه هالیوود از یک سسو بنیادگرایی را با تروریسم و از سوی دیگر با اسلام تلفیق می‌کند. این نوع بازنمایی با دیدگاه سینمای مصر و الجزایر درباره بنیادگرایان اسلامی متفاوت به نظر می‌رسد. سینمای مصر و الجزایر برخلاف هالیوود بنیادگرایان اسلامی را از زاویه شخصی و اجتماعی به تصویر می‌کشند». این کتاب با شیوه‌های متفاوت، بازنمایی حوادث تاریخی را بررسی و دریافت و برداشت واحد و مشخص از آن حوادث تاریخی را بی‌ثبات می‌سازد و باعث تغییر دوگانه متضاد (عرب مقابل غرب و بربریت مقابل تمدن) می‌شود که سینما به ارائه آن می‌پردازد و نشان می‌دهد چگونه حقایق توسط هر طرف درباره خودی (دیگری، در بافت تاریخی مشخصی شکل می‌گیرد. به عبارتی، این کتاب نه‌فقط نشان می‌دهد که چگونه تاریخ از زوایای مختلف به طور کاملاً متفاوت خوانده می‌شود؛ بلکه نشان می‌دهد چگونه تاریخ از زوایای مختلف به طرق کاملاً متفاوت هم نوشته می‌شود؛ ازاین‌رو این آثار سینمایی در حقیقت تاریخی را ارائه می‌دهند که از خط‌مشی سیاسی هر طرف نشئت می‌گیرد و آینده دیگری را به ترتیب برای ایالات متحده آمریکا و جهان عرب رقم می‌زند. دراین‌میان، بازنمایی خاورمیانه در قاب سینما در چارچوبی فراتر از گفتمان رایج اهمیت پیدا می‌کند. گفتمان رایج در بیشتر این موارد، این بازنمایی را در چارچوب شرق شناسی قرار می‌دهد.



نادر شهریوری (مدقی)

هاینریش بل در «ریسک نوشتن» ماجرای نویسنده‌ای را تعریف می‌کند که به دیدار سردبیر مجله معروفی می‌رود تا داستانی را برای چاپ به او بدهد. سردبیر بدون آنکه نگاهی به داستان ببیندازد، آن را روی انبوهی از مطالب میز تحریرش می‌اندازد و می‌گوید داستان شما را خواهم خواند، دیرتر شاید چند ماه دیگر، می‌بینید چقدر اینجا کار ریخته شده است. آنگاه سردبیر به نویسنده می‌گوید که سؤال مهم‌تری دارد و آن اینکه چرا می‌نویسید؟ نویسنده که انتظار پرشنی چنین را ندارد، بعد از کمی فکر می‌گوید «من چاره دیگری ندارم». در این هنگام «سردبیر نگاهش را از روی قاضی از او پرسید که برای چه سرعت را طرachi و اجرا کرده است. او گفت چاره دیگری نداشتم».^۱ سخنان سردبیر، نویسنده را که راوی ماجرا است، به فکر فرو می‌برد و سخنانش را واقع‌بینانه و درست می‌پندارد. او با خود می‌گوید «در واقع به نظر من نویسنده از هر جهت با سارق بانک قابل مقایسه است که با مشکلات وصف‌ناپذیر سرقتی را طرح می‌کند و در تنهایی مرگ‌بار شبانه، گاو صندوق را به زور باز می‌کند، بدون اینکه بداند او چقدر پول، چقدر جواهرات پیدا خواهد کرد. خطر بیست سال حبس، تهدید، مستعمره تادیبی را می‌پذیرد، بدون اینکه بداند چه غنیمتی به دست خواهد آورد».^۲ به نظر راوی نویسنده هر بار با نوشتن متنی تازه خود را به مخاطره می‌اندازد. این مخاطره «… همان ریسک خالی‌یافتن گاو صندوق، در بند افتادن و برمالاشدن همه سرعت‌های گذشته است».^۳

به نظر هاینریش بل نوشتن در اصل ریسک کردن است؛ ریسکی که نویسنده از تبعات آن بی‌خبر می‌ماند و به تعبیر کورتاسار نوشتن در هر حال تیری پرتاب‌کردن است، بی‌آنکه بتوان دریافت به کجا

می‌رود. اما حقیقت ماجرا چه‌بسا گسترده‌تر است. به نظر هاینریش بل ریسک واقعی در اصل خود زندگی است. آن‌هم در زمانه بعد از جنگ. هاینریش بل نویسنده مهم بلکه مهم‌ترین نویسنده بعد از جنگ است. او در داستان‌های خود ریسک زندگی بعد از جنگ را به وضوح نمایان می‌کند؛ از جمله تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم جنگ بر شعور مردم، فروپاشی روابط خانوادگی، فقر معنوی جوانان در زیر آژیرهای حملات هوایی، فساد اخلاقی بزرگسالان و خودخواهی فزاینده‌ای که دیگر وجوه زندگی را تحت‌الشعاع قرار داده و در نهایت انسانیت را مورد تجاوز قرار می‌دهد.

شخصیت‌هایی که بل خلق می‌کند، روی طنابی لـرزان حرکت می‌کنند؛ آنها هر لحظه در آستانه سقوط‌اند. سقوط به شکل‌های مختلف رخ می‌دهد. کاترینا بلوم به خاطر اتفاقی که ممکن بود پیش نیاید، درگیر ماجرابی می‌شود که به بهای زندگی و آبرویش تمام می‌شود. «او روز چهارشنبه ۱۹۷۴/۲/۲۰ شنب قبل از افتتاح کارناوال، ساعت ۸:۴۵ آپارتمانش را ترک می‌کند تا در مجلس رقصی خصوصی شرکت کند»؛ اما درست چهار روز بعد تقریباً در همان ساعت خود را به‌عنوان قاتل روزنامه‌نگاری به نام ورنر تونگس به پلیس معرفی می‌کند تا به «لودویک عزیزش» بپیوندد. ماجرا به شکل غم‌انگیزی رقم می‌خورد. کاترینا در مجلس جشن با لودویک آشنا می‌شود –درباره زمان آشنایی با لودویک میان وی و پلیس اختلاف نظر وجود دارد–

و او را که به خاطر فعالیت‌هایش تحت تعقیب است، به خانه پناه می‌دهد، ولی تنها به فاصله چند ساعت بعد دستگیر می‌شود و مورد بازجویی‌های بی‌دریی قرار می‌گیرد. این ماجرا سوژه‌ای جالب برای مطبوعات می‌شود، خبرنگاران به واکاوی در گذشته کاترینا می‌پردازند «شرق» یاد کم رمان می‌نویسم، آن‌هم نه یک رمان ساده، یک رمان منظوم؛ میان این دو تفاوت بزرگی هست؛ این را الکساندر پوشکین در نامه‌ای به یکی از دوستانش نوشته است: از همین‌رو آدمی از کار درآمده به‌واقع منظوم، «یوگنی انه‌گین» بوده است. رمانی که او بیش از هشت سال یعنی از بهار ۱۸۲۳ تا پاییز ۱۸۳۱ روی آن کار کرد و جایگاهی ویژه در آثارش دارد. در میان آثار پوشکین، این رمان را «مهم‌ترین اثر با ثنی‌ترین محتوا و بیشترین محبوبیت و قدرت‌مندترین تأثیر بر سرنوشت همه ادبیات روسی» دانسته‌اند. «یوگنی انه‌گین» به‌تازگی با ترجمه ایرج کابلی در نشر بازتاب‌نگار منتشر شده است. کابلی این اثر را از زبان اصلی به فارسی برگردانده و ترجمه‌ای منظوم از این رمان کلاسیک به دست داده است.

شخصیت اصلی این رمان پوشکین، اشراف‌زاده‌ای جوان با نام یوگنی انه‌گین است؛ آدمی با خصوصیات روانی پیچیده و شخصیتی پر از تناقض، در ماجراهای رمان، تاتینا خیلی زود عاشق انه‌گین می‌شود، اما انه‌گین با ماجراهای بسیار و «پس از تحمل شکست‌های بسیار در روح سردش» دل به تاتینا می‌بندد. اما این دو با اینکه یکدیگر را دوست دارند نمی‌توانند در نقطه‌ای واحد سرنوشت‌شان را به هم گره بزنند و این شکست نه به خاطر عوامل و موانع بیرونی، بلکه بیشتر به خاطر اشتباهات خودشان و ناتوانی در یافتن راه درست زندگی رخ می‌دهد. در ابتدای ترجمه فارسی رمان، توضیحات نسبتاً مفصلی درباره اثر آمده که به شناخت بهتر رمان کمک می‌کند. در این توضیحات، به شخصیت‌های داستان و به‌خصوص انه‌گین پرداخته شده است. انه‌گین پسر یک نیمه‌ارباب و نیمه‌کارمند و وارث همه پیشینیانش است. شرایط اجتماعی و تربیتی بر ویژگی‌های مهم اخلاقی او مؤثر بوده است. او نیاز نداشته برای گذران زندگی‌اش کار کند، او «نه می‌توانسته و نه می‌خواسته به خود زحمت بدهد.

ادبیات

شکل‌های زندگی: هاینریش بل، ریسک زندگی

تصاویر معتبر از تنهایی

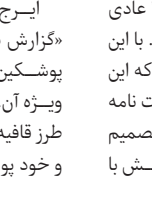


و زندگی خصوصی وی، حتی جزئی‌ترین موارد آن را در معرض افکار عمومی قرار می‌دهند. همه این اتفاقات طی تنها چهار روز رخ می‌دهد؛ تا در نهایت از کاترینا چهره‌ای رموز، فاسد و خطرناک ارائه می‌شود؛ درحالی‌که کاترینا حتی از نظر پرسو‌و‌ظن پلیس، زنی ساده، بیش از اندازه رمانتیک و محبوب است تا به آن حد که آشنایش به او لقب راهبه داده‌اند. رمان «آبروی ازدست‌رفته کاترینا بلوم» عنوان دومی نیز دارد و آن عنوان این است که «خشونت چگونه یا می‌گیرد و به کجا می‌انجامد».^۳ خشونتی که با می‌گیرد و گسترش می‌یابد به نظر بل ریشه در مناسباتی دارد که از کنترل آدمی خارج است و ریسکی به همراه می‌آورد که غیرقابل‌اجتناب است. بل ریسک‌های زندگی را که هرکسی آن را تجربه می‌کند، به راه‌اندان تشبیه می‌کند. «برخی از راه‌پندان‌ها که می‌توان به آن فشار نیز گفت غیرقابل‌اجتناب است، زیرا همه سرچشمه‌ها را نمی‌توانیم با یک حرکت فوری به راهی که می‌خواهیم بیندازیم، به طوری که زمین خشک زیر آنها نمایان می‌شود».^۴

«سیمای زنی در میان جمع» نام رمانی دیگر از هاینریش بل و از مهم‌ترین داستان‌های وی است. این رمان نویسل ۱۹۷۲ را نصیب بل می‌کند. میان این رمان و «آبروی ازدست‌رفته کاترینا بلوم» شباهت‌های فراوان وجود دارد. در وهله اول به خاطر آنکه هر دو شخصیت رمان زن هستند، لنی فایفر شخصیت رمان «سیمای زنی میان جمع» همچون کاترینا زنی صمم و احترام‌رانگیز است. او نیز شخصیتی اخلاقی، درست‌کردار و وفادار دارد، اما این خلق‌و‌خوی انسانی نه‌تنها باعث موفقیت و مقبولیت وی در جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند نمی‌شود، بلکه باعث سوءتعبیرهایی مشابه آنچه برای کاترینا رخ داده می‌شود، تا بدان اندازه که لنی که می‌خواهد «درست» زندگی کند، درگیر مناسبات

منظومه تاریخی پوشکین

شیوه زندگی‌اش در پترزبورگ و پس از آن در روستا، پوچ و بی‌محتوا بوده و بی‌عملانه، روشی هم که برای تربیتش به کار گرفته شده بسیار ویران‌کننده رمان را از همین‌رو آدمی از کار درآمده به‌واقع خودخواه که فقط به خودش و تمایلاتش –و آنچه دلخواه خودش بوده- فکر می‌کرده و به آسانی می‌توانسته دیگران را برنجانند و به ایشان توهین کند، حتا بدون آنکه خود متوجه باشد چه می‌کند. انه‌گین البته ویژگی‌های دیگری هم دارد از جمله اینکه پس از پایان دوران سطحی تحصیلات، دو بار تلاش می‌کند دامنه دانشش را گسترش دهد. «سطح دیدگاه» و نگاه او به زندگی، نه‌فقط از ملاکان اطرافش، بلکه از نمایندگان جمع اشراف در پترزبورگ نیز بالاتر بوده است. از همان آغاز رمان مشخص است که «ضایت انه‌گین از زندگی پوچ و بی‌محتوایی که آشنایان اشرافی او آن را عادی می‌شمردند، مدت زیادی طول نمی‌کشد. با این همه او نه توائش را داشته و نه تمایلیش را که این شیوه زندگی را کنار بگذارد. پس از دریافت نامه تاتینا که در آن به او اظهار عشق کرده بود، تصمیم می‌گیرد روشن و صریح بگوید که در احساسش با وی شریک نیست. هنگام این اعتراف که برای تاتینا بسیار سنگین بوده، نتوانسته از دل‌بری معمولش در برابر زنان دست بردارد…».^۱ تقریباً تا فصل ششم رمان انه‌گین به شکل آدمی هوشمند، تندرزان، خودخواه و دلسرد تصویر شده است؛ اما پس از ماجرابی که او را به یک دوئل می‌کشاند، انه‌گین درمی‌یابد که چه کرده و تا چه حد خودخواه بوده و نسبت به دیگران بی‌توجه بوده است. پوشکین، چهره درخشان ادبیات کلاسیک روسیه است که تأثیری عمیق بر نویسندگان و شاعران پس از خود



یوگنی انه‌گین



یوگنی انه‌گین

آلکساندر پوشکین
ترجمه ایرج کابلی
نشر بازتاب‌نگار

یا به تعبیر هاینریش بل درگیر چنان «راه‌بدان»‌هایی می‌شود که عملاً زندگی را برایش ناممکن می‌کند. لنی به تدریج درمی‌یابد که دنیای پیرامونش مملو از بی‌عدالتی و نادرستی است. او حتی عمیق‌تر فکر می‌کند و از نظرش در جهان کنونی فضیلت‌های انسانی نه‌تنها ستایش نمی‌شوند، بلکه در بهترین حالت حسی از ترحم برمی‌انگیزند. در نهایت لنی راه‌حل «شخصی» زندگی خود را در قطع پیوندهای روحی از جامعه پیرامون خود جست‌وجو می‌کند، شاید که در این صورت بتوان از بی‌تفاوتی توأم با بی‌رحمی جامعه در امان بماند.

«عقاید یک دلک» (۱۹۶۳) مشهورترین رمان هاینریش بل است. این رمان نیز بیان شخصیتی منزوی و تنها است که زندگی‌اش به ریسکی خطرناک بدل می‌شود. داستان حول زندگی دلکوی حرفه‌ای به نام هانس شیرن می‌چرخد. شیرن که فرزند کارخانه‌دار ثروتمند منطقه راین است، کلکسیون‌ی از بدبپاری است. او که در حین اجرای نمایشی در بوخوم زمین می‌خورد و زانویش می‌شکند، از دلکوی مشهور به دلکوی پیش‌یافتاده یا درست‌تر گفته شود به انسانی پیش‌یافتاده بدل می‌شود و خیلی سریع «ارزش» خود را از دست می‌دهد. دلکوی که زمانی برای هر اجرا دو بیست مارک ارزش داشت، به دلکوی بدل می‌شود که برای دریافت بیست مارک هم باید خدا را شکرگذار باشد اما این همه آن مصیبت‌هایی نیست که بر سرش آوار می‌شود. مشکل او بیش از هر چیز ازدست‌دادن معشوقه‌اش ماری است. او تنهایی را تنها در فقدان ماری عمیقاً حس می‌کند. «... از زمانی که ماری آن‌طور که خودش می‌گفت در وحشتی متافیزیکی مرا به حال خودم گذاشته و ترکم کرده است به رغم خواست و اراده‌ام، اما به طور طبیعی و به خودی خود تنها زندگی می‌کنم. واقعیت این است که من کامیابش در بوخوم خودم را به عمد با زانو به زمین زدم تا بتوانم سفری را که آغاز کرده بودم نیمه‌کاره قطع کنم و دوباره به بن بازگردم».^۲ بازگشت شیرن به بن او را تسکین نمی‌دهد، مسکن واقعی او تنها یک چیز است و آن ماری است که آن‌را غیرممکن است. ماری را نه هوس‌ی زودگذر، بلکه مسئله‌ای متافیزیکی یا چنان‌که خودش می‌گوید «وحشتی متافیزیکی» به جدایی از او کشانده، ماری که کاتولیک است بنا بر دلایل مذهبی با هربرت تسسوفتر که او نیز کاتولیک است، همراه می‌شود.

هانس شیرن که با آگاهی دلک‌شدن را به عنوان شغل برمی‌گزیند، طی زمانی کوتاه به دلکوی تمام‌وقت بدل می‌شود. اما باری او این بار نه روی صحنه تئاتر، بلکه در زندگی واقعی اجرا می‌شود. از آن پس شیرن دلکوی می‌شود که ریسک می‌کند و می‌کوشد گاو صندوق را حتی با ترفند باز کند، اما خیلی زود درمی‌یابد که گاو صندوق خالی است. شیرن نیز همچون دیگر شخصیت‌های بل مانند کاترینا بلوم، لنی فایفر و... به موقعیت خود آگاهی می‌یابد و راه‌حل را در قطع پیوند با جامعه جست‌وجو می‌کند. او خیلی زود با خوش‌بینی یا سادگی غیرقابل‌تصورى به انتهای راه، به تنهایی و تنگدستی می‌رسد. در نهایت شیرن با گیتار و کلاهی در دست به ایستگاه راه‌آهن می‌رود تا به انتظار قطاری بماند که ماری را از رم با خود به همراه می‌آورد. برای او تنها دو نخ سیگار مانده است. یکی را دود می‌کند و دیگری را در کلاهش می‌گذارد تا عابران بداندن می‌توانند به جای پول به او سیگار بدهند. در آخر شیرن به خود می‌گوید: «من هنوز نمرده‌ام؛ خانم وینکن می‌گفت کسی که آواز بخواند هنوز زنده است و کسی که گرسنه شود و از خوردن غذا لذت ببرد هنوز از دست نرفته؛ من آواز می‌خواندم و گرسنه بودم».^۳

۱، ۲، ۳) ریسک نوشتن، هاینریش بل، ترجمه مارولا لایان (۴، ۵) آبروی ازدست‌رفته کاترینا بلوم، هاینریش بل، ترجمه شریف لنگرانی

۱، ۲، ۳) عقاید یک دلک، هاینریش بل، ترجمه محمد اسماعیل‌زاده

ادبیات روسی آن را شاهکاری بی‌همتا و خود را و متا-کودکان و نوجوانان اختصاص دارد، «تکامل شگفت‌انگیز» نام دارد که نوشته آتاکلی بورن است و با ترجمه کاوه فیض‌اللهی به فارسی منتشر شده است. این کتاب به صورت مختصر و با زبانی ساده نشان می‌دهد که تکامل چیست، چگونه کار می‌کند و نیز اینکه چه کسی اسرار آن را کشف کرد. در این کتاب نشان داده شده که پاسخ بسیاری از پرسش‌ها و مسائل مربوط به حیات در زمین در نظریه تکامل یافته‌اند؛ کتاب در فصل‌های مختلفش، از گذشته‌های دور آغاز می‌کند و سفر دور و دراز حیات را نشان می‌دهد و مرحله به مرحله پیش می‌آید تا به امروز می‌رسد؛ اما در دنیایی زندگی می‌کنیم که همه‌چیز در آن در تغییر است. سنگ‌ها کم‌کم ترک می‌خورند. از هم می‌پاشند و باز از نو تشکیل می‌شوند. شک دیواره‌ها، دره‌ها و ساحل‌ها تغییر می‌کند. خود سیاره‌ها و ستاره‌ها نیز مدام در حرکت و تغییرند. بیشتر از همه و سریع‌تر از همه، موجودات زنده‌اند که تغییر می‌کنند. از فصلی به فصل بعد تغییر می‌کنند. به دنیا می‌آیند، رشد می‌کنند، پیر می‌شوند و می‌میرند. و بچه هم دارند. تا وقتی که می‌میرند، بچه‌هایشان جای آنها را بگیرند. و با گذشت نسل‌ها، انواع جدیدی از موجودات زنده به وجود می‌آیند، یا تکامل می‌یابند. این فرایند که تکامل نامیده می‌شود، بسیار مهم است و بخش بزرگی از زیست‌شناسی با علم بررسی جانداران است. تا قرن نوزدهم طول کشید که دانشمندان طرز کار تکامل را کشف کنند -کمتر از ۲۰۰ سال پیش، هنوز هم سرگرم بررسی‌اش هستند تا چیزهای بیشتری کشف کنند. تکامل توضیح می‌دهد که چگونه تمام جانداران امروزی روی زمین به وجود آمده‌اند. به همین دلیل است که این همه انواع یا گونه‌های مختلف موجودات زنده وجود دارند. به علت تکامل است که جانداران این اندازه با محیط زندگی‌شان متناسب یا سازگار به نظر می‌رسند...».

نگاه

کتابخانه کوچک من

شرق؛ نشر نو مدتی است که در قالب مجموعه‌ای با عنوان کتابخانه کوچک من، کتاب‌هایی برای رده‌های سنی کودکان و نوجوانان منتشر می‌کند که تاکنون چند عنوان از این مجموعه منتشر شده است. «داستان‌های خوب برای کودکان بلندپرواز»، «ایده‌های بزرگ برای دختران و پسران بلندپرواز»، «داستان‌های خوب برای دختران بلندپرواز» و «داستان‌های خوب برای پسران بلندپرواز» عناوین برخی از کتاب‌هایی است که نشر نو تاکنون برای رده‌های سنی کودکان و نوجوانان منتشر کرده است. در این کتاب‌ها با سرگذشت و فعالیت‌های مردانی مواجه می‌شویم که زندگی‌شان به نوعی الهام‌بخش بوده‌اند؛ برای مثال عنوان فرعی کتاب «داستان‌های خوب برای پسران بلندپرواز»، «قصه‌های واقعی پسرانی که دنیا را تغییر دادند بی‌آنکه به جنگ اژدها بروند» است و در آن با زبانی ساده و به‌طور خلاصه مروری بر زندگی و کارهای مردان مشهور یا کمترمشهور در دوره‌های مختلف تاریخی شده است. در این کتاب‌ها همان‌قدر که زندگی و کارهای دانشمندان یا چهره‌های اجتماعی و سیاسی مورد توجه بوده، به زندگی نویسندگان، هنرمندان و فیلسوفان هم توجه شده است. به این ترتیب این کتاب می‌تواند مقدمه خوبی برای آشنایی نوجوانان با نویسندگان، هنرمندان، ورزشکاران، سیاستمداران و... باشد. اما یکی از کتاب‌های تازه مجموعه کتابخانه کوچک من، کتابی است با عنوان «زنانی که جهان را بهتر کردند» از جولیا آدامز که با ترجمه محمد کریمی منتشر شده است. در این کتاب، همان‌طورکه از عنوانش هم برمی‌آید، به داستان‌های زندگی زنانی پرداخته شده که در طول تاریخ تأثیری از خود باقی گذاشته‌اند؛ «تاریخ سرشار از داستان‌های زنانی است که بر موانع و مشکلات غلبه کرده‌اند، توقعات جامعه را نادیده گرفته‌اند و کلیشه‌ها را شکستند. متأسفانه امروز تأثیر آنها به خوبی نمایش داده نشده و نادیده گرفته شده است. در بسیاری از فرهنگ‌های باور وجود داشت (یا هنوز وجود دارد) که زنان نیازی به تحصیل ندارند، نمی‌شود به رهبری‌شان اعتماد

